

مدیریت رسانه در رادیو؛ معنای رادیو برای رادیویی‌ها

معصومه اسماعیل‌نژاد^۱ / عبدالله گیویان^۲ / رها خرازی^۳

تاریخ پذیرش نهایی: دی ۹۵

تاریخ دریافت مقاله: آبان ۹۵

چکیده

رادیو در ایران با سابقه‌ای طولانی‌تر از تلویزیون کوله‌باری از تجربیات سالیان طولانی و خاطراتی عمیق از تاریخ این کشور دارد چرا که در طول سالیان با لحظه لحظه زندگی مردم این کشور و در لحظات دشواری و سختی و جنگ و آرامش و تنش و ... در دوران تاریخ معاصر در کنار ایرانیان بوده است و برنامه‌سازان این رسانه قدیمی بر دوش بزرگان این رسانه قرار گرفته و می‌توانند افق دورتری را در حوزه رسانه مشاهده کنند چرا که وامدار ۷۵ سال تجربه رسانه‌ای هستند. این پژوهش در نظر دارد معنای رادیو را از دیدگاه برنامه‌سازان رادیویی مطالعه کند. این پژوهش به روش کیفی، مردم‌نگاری انجام شده است و روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه است و در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ انجام شده است جامعه آماری این پژوهش رادیویی‌ها در همه مشاغل است. در حین انجام از هر شغل ۵ نفر برگزیده شد و تا اشباع کامل ادامه یافت. از تجربه زیسته پژوهش‌گر با داشتن ۱۶ سال سابقه فعالیت در رادیوهای مختلف و کار در مشاغل مختلف (مانند تهیه‌کنندگی، سردبیری، نویسندگی و مدیریت تولید) در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری و مقوله‌بندی تحلیل شده‌اند و سوال پژوهش: معنای رادیو برای رادیویی‌ها چیست؟ در این پژوهش مشخص شد که ۳ گروه عمده در رادیو وجود دارد. دسته اول که رادیو عشق آنها است. دسته دوم رادیو را دوست دارند اما عاشق رادیو نیستند و اگر فرصت بهتری برای آنها فراهم شود رادیو را ترک می‌کنند و دسته سوم که رادیو فقط شغل و ممر درآمد آنها است.

واژگان کلیدی: رادیو، تهیه‌کننده، عشق، معنا

۱- دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک:

masumeh.esmailnejad@yahoo.com

۲- استادیار عضو هیات علمی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران

۳- استادیار عضو هیات علمی علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه

معنای رادیو در میان رادیویی‌ها در طول ۷۵ سال گذشته که از زمان تاسیس رادیو می‌گذرد، بسیار متفاوت است، بعضی از قدیمی‌های رادیو که فکر می‌کنند با رادیو هویت پیدا می‌کنند و بعضی از جوان‌ترهای رادیو که تنها به عنوان شغل به رادیو نگریسته و وارد می‌شوند یا به عنوان پله‌ای برای صعود در رادیو و معاونت‌های دیگر می‌نگرند، رادیو با داشتن همکاران باسابقه و کم‌سابقه در کنار هم امکان این مطالعه را فراهم کرده است. از طرف دیگر این معنای بکار گرفته شده در برنامه‌سازی رادیویی‌ها چه تاثیری داشته است؟ بعضی علیرغم کار در رادیو، آن را رسانه خوب و مفید و کارا نمی‌دانند و حتی حاضر نیستند برنامه‌های خود را نیز بشنوند، اما بعضی دیگر عاشق و شیدای رادیو شده و رادیو همه هویت آنها شده است رادیویی‌ها چگونه نشانه‌ها را برای خلق دنیاهای معناداری که در آن هستند، به کار می‌برند و چگونه این نشانه‌ها را تفسیر می‌کنند؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش به روش کیفی و مردم‌نگاری انجام شده است و روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه است. این پژوهش در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۳ انجام شده است جامعه آماری این پژوهش رادیویی‌ها در همه مشاغل است. در این پژوهش از هر شغل ۵ نفر برگزیده شد و تا اشباع کامل ادامه یافت. از تجربه زیسته پژوهش‌گر با داشتن ۱۶ سال سابقه فعالیت در رادیوهای مختلف و کار در مشاغل مختلف (مانند تهیه‌کنندگی، سردبیری، نویسندگی و مدیریت تولید) در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری و مقوله‌بندی تحلیل شده‌اند و سوال پژوهش: معنای رادیو برای رادیویی‌ها چیست؟

پیشینه و ادبیات پژوهش

۱۴ سال پیش از شروع جنگ جهانی دوم، آلمانی‌ها برای نخستین بار گوشه‌هایی از ایران را با کهکشان مارکنی آشنا کردند و از اصفهان پیام‌های جنگ را با

دستگاه فرستنده بی‌سیم به شهر نوئن آلمان مخابره می‌کردند. در بیست و چهارم اردیبهشت ۱۳۰۴ اولین دکل موج بلند نصب شد اما رادیو به مفهوم امروزی در بامداد روز ۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ افتتاح شد. مک لوهان، ورود به عصر مارکونی را آغاز تغییر حس در دریافت پیام و شکل‌گیری نوعی زندگی شنیداری می‌دانست و می‌گفت: اگر چاپ بصری است، الکتریسیته به گونه‌ای لمسی است اگر چاپ به دنبال جداسازی است، الکتریسیته مشارکت‌جو است در نتیجه ورود به کهکشان مارکنی سبب می‌شود که مشارکت جهانی، جایگزین مرزهای ملی شود (محسنیان راد، ۱۳۸۴). مک فارلند سوالی در مورد رادیو مطرح می‌کند و جواب آن به شرح زیر است (مک فارلند، ۱۳۸۱):

۱ - رادیو نیاز به توجه ندارد یا رسانه پس زمینه است.
۲ - رادیو احاطه کننده است چون گوش انسان سرپوش ندارد.

۳ - رادیو بی‌انتهاست یا رادیو طول تخیلات را دراز می‌کند.

۴ - رادیو بارور سازنده تخیلات و رویاهاست.
کرایسل در کتاب «درک رادیو» می‌نویسد: رادیو رسانه‌ای کور است که پیام‌هایش از صدا و سکوت استفاده می‌کند. پیام رادیویی باید به درجات مختلف، محتوای مورد نظر را خلق کند و تصویر شخصی فرستنده پیام را بسازد. در رادیو باید بیشترین مساعی در جهت فایق آمدن بر محدودیت‌های رسانه و به وجود آوردن متون مختلفی باشد که به طور کلی بتوانیم آنها را در ذهن خود ببینیم (کرایسل ۱۳۸۱). بسیاری از اندیشمندان ارتباطات «قدرت تخیل» را یکی از مزیت‌های رادیو ذکر کرده‌اند به قول کرایسل تخیل اساساً با بازسازی جهان فیزیکی مادی سروکار دارد، زمانی که قابلیت‌های حسی خود را برای درک و تفسیر جهان به کار می‌بریم ظاهراً ابزار اولیه به حس بینایی مربوط می‌شود. بنابراین، اولین محرک تخیل، تصویری کردن باشد این امر حتی در مورد صدا و بو هم صادق است، اما وقتی تصویری مجازی یا واقعی از چیزی داشته باشیم که به منبع یا محل آن صداها نزدیک

ادبیات و فرهنگ ایران است، شناخت حافظه جمعی این کشور و عناصر بوجود آورنده تاثیرگذار آن اهمیت بسیاری در فهم این گروه رسانه‌ای دارد با توجه به اینکه «با حافظه جمعی است که عوامل سازنده هویت شناسایی می‌شود. این حافظه که گنجینه ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه است، به مجموعه‌ای می‌ماند که در ضمیرهای ناخودآگاه و خودآگاه افراد جای دارد» (نورائی، مهرداد).

یافته‌های پژوهش

برای یافتن معنای رادیو نزد رادیویی‌ها به سراغ رادیویی‌های مشغول به کار در ساختمان پخش رادیو و ساختمان شهدای رادیو رفته و با مشاغل مختلف رادیویی در مورد اینکه رادیو، چه معنایی در زندگی آن‌ها دارد، گفتگو کردم.

سوال: معنای رادیو برای رادیویی‌ها چیست؟

مقوله ۱: رادیو به عنوان تعلق خاطر و عشق

کدهای متعلق به این مقوله :

- نمی‌تونی دل بکنی از رادیو
- من عاشق رادیو هستم
- رادیو یه جورایی مثل هوا می‌مونه برام
- رادیو عشقه خیلی هم عشقه
- رادیو همه زندگیه منه
- من بخشی از وجودم رو توی رادیو پیدا کردم
- من با عشق شروع کرده بودم من نه دنبال پول بودم نه دنبال مقام
- توی رادیو از نظر روحی تامین میشن
- رادیو مثل دویدن خون حس توی رگ‌های منه و این دویدنی که متوقف نمی‌شه می‌تونه جاری بشه
- رادیو از نظر هدف و کارایی که من دارم، حرف اول رو می‌زنه تو زندگیم.
- برای این عشق به رادیو من عمرم رو گذاشتم
- خود رادیو روح داره و یه آدمای خاصی رو می‌پذیره
- رادیو جاذبه‌ی عجیب و غریبی داره

باشد، تصورات ما می‌توانند در سلسله مراتب حسی حرکت کنند و مقام‌های بعدی اثرات صدا، بو، مزه و غیره را مرور کنند. در نتیجه تمایزپذیری رادیو از سایر رسانه‌ها به این علت است که تخیلات را تا گستره‌ای متفاوت به کار می‌گیرد (کرایسل ۱۳۸۱).

نشانه‌شناسی بر این نکته تاکید دارد که علائم و رمزها معنی را بوجود می‌آورند و برای انسان‌ها تفسیر و درک آنچه در اطرافشان می‌گذرد را فراهم می‌کنند (لیبی ۱۳۸۷) و واقعیت همیشه از طریق یک نظام معنایی خاص ساخته و برای انسان قابل درک می‌شود. این معنی هرگز بی‌هدف نیست بلکه هدف خاصی را دنبال می‌کند که نشانه‌شناسی می‌تواند آن را روشن کند. تجربه ما از دنیا هرگز خالص یا بی‌طرفانه نیست و نظام‌های معنا آنها را قابل درک می‌کنند. چیزی به نام تجربه خالص، عریان و عینی درباره دنیای واقعی و عینی وجود ندارد. دنیای عینی وجود دارد اما قابلیت درک آن به درک معنای رمزها بستگی دارد (لیبی ۱۳۸۷).

معنی چیزی نیست که ثابت باشد و غیرقابل تغییر تلقی شود، نشانه‌شناسی با ایجاد معنی یا با آنچه بارت آن را فرآیند معنی‌دار شدن نامیده است، سر و کار دارد (لیبی ۱۳۸۷). از دید بارت از هر پدیده فرهنگی برحسب علائق مختلف می‌توان معنای مختلفی را استنباط کرد، اما در کنار آن نشانه‌شناسی به فهمی ساختاری از فرهنگ می‌پردازد و ایدئولوژی نهفته در آن را آشکار می‌سازد (لیبی ۱۳۸۷). بارت سعی می‌کند با تعریف زبان سیاسی نشان دهد که چه رابطه ظریفی بین فرد و معنای کنش او وجود دارد (لیبی ۱۳۸۷). در این تحقیق با استفاده از نشانه‌شناسی رفتار رادیویی‌ها به معنای ذهنی آنها درباره رادیو پی خواهیم برد و چنین نشانه‌شناسی اطلاعات مهمی از فرهنگ سازمانی رادیویی‌ها را آشکار خواهد کرد.

در سازمان رسانه‌ای پیچیده‌ای چون رادیو که هنری، سیاسی و فرهنگی است توجه به فرهنگ مردمی که در آنجا مشغول به کار هستند و یکی از اساسی‌ترین معیارهای گزینش آنها برای ورود به رادیو، آشنایی با

جواب‌ها که به صورت کدهای فوق درآمد است به شرح زیر است:

- نمی‌تونیم بگیریم رادیو کجای زندگی منه، بگید کجای زندگی قرار نداره؟

- من حس می‌کنم با رادیو دارم زندگی می‌کنم

- رادیو یه جور زندگیه، یه جور عشق

- رادیو همه جای دنیای من رادیو برای من خیلی مهمه

- رادیو همه جای زندگیه هست

- رسانه‌ای‌ها زندگی‌شون تو رسانه‌شون خلاصه میشه

- رادیویی، رادیو رو زندگی می‌کنه

- رادیو یه جورایی مثل هوا می‌مونه برام

- رادیو عشقه خیلی هم عشقه

- رادیو همه زندگیه منه

- من بخشی از وجودم رو توی رادیو پیدا کردم

البته در سراسر این پژوهش می‌توان جمله‌های دیگری

مشابه اینها در لابه‌لای گفتگوهای من با اطلاع‌رسان‌های پژوهش مشاهده کرد.

اطلاع‌رسان یکی از تهیه‌کننده‌های قدیمی رادیو است

«از نظر هدف و کارایی که من دارم حرف اول رو می‌زنه

تو زندگیه. صبح که از خواب پا میشم به این فکر

میکنم که چیکار دارم، چیکار باید بکنم، کجا باید برم؟

چی رو باید تحویل بدم؟ چی رو باید تحویل بگیرم؟ در

مورد رادیو متن بدم؟ متن بگیرم؟ موسیقی بشنوم؟

موسیقی بگیرم؟ کارایی که بکنم شب هم که می‌خوام

بخوابم، می‌گم چیکار کردم؟ اونو دادم، اینو یادم رفت،

اینو تکمیلش کردم، اون طرحم رو درستش می‌کنم

راجع به برنامه فردا چیکار بکنم یعنی این زندگی منه.

رادیو».

یکی از ویژگی‌های مهم تهیه‌کننده رادیو این است که

در همه جا و همه حال تهیه‌کننده است. شاید به همین

دلیل این شغل، جزو مشاغل سخت طبقه‌بندی می‌شود.

البته برای خلق یک اثر هنری، باید آن موضوع هفته‌ها

و ماه‌ها دغدغه ذهنی شود به همین دلیل تهیه‌کننده‌ها

قبل از ساخت برنامه، آن را در ذهن خود می‌شنوند و

کاملاً با زوایای مختلف آن آشنا هستند.

- به رادیو به عنوان امرار معاش نگاه نکنید

- آدمی که رادیویی یه از مادر رادیویی متولد

میشه یعنی باید داشته باشی

- رادیویی‌ها وقتی میان بیشترشون دل بستگی پیدا

می‌کنن

- من رادیو رو دوست دارم

- رسانه‌ای‌ها زندگی‌شون تو رسانه‌شون خلاصه

میشه

- رادیویی، رادیو رو زندگی می‌کنه

- نمی‌تونیم بگیریم رادیو کجای زندگی منه، بگید

کجای زندگی قرار نداره؟

- رادیو همه جای زندگیه هست

- واقعا با رادیو عجینم مثل زندگی می‌مونه

- رادیو همیشه بوده تو زندگیه

- تهیه‌کنندگی رادیو، اصلا رادیو، هرکاری شو

انجام بدی شغل نیست

- تهیه‌کنندگی یک کار ۲۴ ساعته است

- رادیو دوست و مونس قدیمی یه

- رادیو رسانه بحرانه

- رادیو گرمای اون دوست قدیمی هست

- رادیو همه جای دنیای منه رادیو برای من خیلی

مهمه

- رادیو اون چیزی که مال منه.

- اون چیزی که دنیای منه

- اون چیزی که من بهش تعلق دارم و اون به من

تعلق داره

- رادیو یه جور زندگیه، یه جور عشق

- کسی که نمی‌تونه رادیو رو از من بگیره !

می‌تونه؟ نمی‌تونه

- من حس می‌کنم با رادیو دارم زندگی می‌کنم

- مهم‌ترین ویژگی رادیو صمیمیت‌اشه

- من معتقدم که ذات رادیو در رادیویی‌های جدید

تحول ایجاد می‌کند

برای دانستن معنای رادیو برای رادیویی‌ها در ابتدا از

آنها پرسیدیم که رادیو کجای زندگی شما است؟

من مادرم که فوت کرد بزرگترین ضایعه زندگی من بود. شاید ۱۰ روز بعد از فوتشون من برنامه صبحگاهی می‌زدم. به من زنگ زدند گفتند بیا، وقتی وارد پخش شدم گفتم خدایا من چه جوری کار کنم؟! اما همین که شروع کردم، دیگه تا آخرین لحظه برنامه که تموم شد هیچی یادم نبود، چه اتفاقی افتاده! بچه‌ها باورشون نمی‌شد من توی پخش، چه ورجه ورجه‌ای دارم و دارم کار می‌کنم. وقتی تموم شد مثل آدمی که غم آوار بشه رو سرش، یک دفعه یادم افتاد من توی چه وضعی‌یم. بعد تنها چیزی که فکر کردم، دیدم این عشق به رادیو و عشق به مخاطبانم باعث شد من همه چیز رو بذارم کنار و اون لحظه فقط به کارم فکر کنم. یعنی من تو خونه کنار بچه‌هام نمی‌تونستم این کار رو بکنم. ولی تو رادیو این کار رو تونستم».

این‌ها مسلماً توصیف عشقی بی‌نهایت به رادیو است رسانه قدرتمندی که نافذ، تاثیرگذار و عمیق است و می‌تواند با استفاده از تخیل انسان معجزه بیافریند و قبل از همه، رادیویی‌ها را مسحور و عاشق کرده است. چه ویژگی رادیو این رسانه را منحصر به فرد می‌کند؟ «می‌دونی وقتی ما احساس می‌کنیم به مخاطب نزدیک‌ایم حس می‌کنیم به جامعه نزدیک‌ایم در نتیجه می‌تونیم اون اثربخشی رو در جامعه‌مون داشته باشیم و رادیو این فرصت رو میده که این کار رو بکنیم. یعنی ما اگر فقط روی یک نفر اثر بذاریم نقش مهمی رو در جامعه‌مون ایفا کردیم.

این یکی از جذابیت‌های بی‌نظیر رادیو است که برنامه‌سازان آن را تجربه می‌کنند، این که در رادیو ما فکر می‌کنیم و حرف می‌زنیم و مخاطب آن را دریافت می‌کند یا به گفته یکی از تهیه‌کننده‌های جوان «در رادیو تهران من از در رادیو که بیرون می‌روم می‌تونم مخاطب خود را ببینم و نیازهای او را حس کنم و درک کنم و با او حرف بزنم» این حس این قدر تاثیرگذار است که کسی که آن را تجربه کرده باشد نمی‌تواند به راحتی آن را فراموش کند یا از آن صرف‌نظر کند. حرف زدن با مخاطب میلیونی حسی بی‌نظیر و اغواکننده است.

از اطلاع‌رسان بعدی که یکی از تهیه‌کننده‌های نسبتاً جوان رادیو است و در حال حاضر یکی از مدیران برنامه‌ساز است از او نیز پرسیدیم که رادیو کجای زندگی شما است؟ «شاید مهم‌ترین چیز اینه که من بخشی از وجودم رو توی رادیو پیدا کردم». بخشی از وجودت چی بود که اونجا پیدا کردی؟! «خلاقیت‌ام، علائقم» به نظر می‌رسد در این مورد رادیو موجب شناخت خود شده است. «بخشی از وجود خود را که ناشناخته بود در رادیو پیدا کردن» حس فوق‌العاده‌ای است و نشان از تاثیرگذاری بسیار دارد. رادیو برای تو توی ذهنت و توی ایده‌آلات چه شکلی‌یه؟ مفهوم و معنای رادیو برای تو چیه؟ «من حس می‌کنم رادیو مثل دویدن خون، مثل دویدن حس توی رگ‌های منه و این دویدنی که متوقف نمیشه می‌تونه جاری بشه» به نظر می‌رسد این حس مشابه حس دوست داشتن و عشق است. حس زندگی و پویایی و زنده بودن که متوقف نمی‌شود و جاری است و قلب انسان را به تپیدن وامی‌دارد.

به نظر می‌رسد در همه جمله‌های فوق عشق و علاقه به برنامه‌سازی مشاهده می‌شود.

از یکی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش پرسیدم: رادیو چی داره که باعث میشه یک رسانه یه همچین جایگاهی توی زندگی آدم پیدا کنه؟ «خود رادیو روح داره. یعنی من بعد از این ۴۰ و خورده‌ای سال فهمیدم که خود رادیو روح داره یعنی یه آدمایی رو می‌پذیره، اصلاً صدا می‌کنه. تو اجتماع یارو داره راه میره صداس می‌کنه، می‌گه بیا و این ناخودآگاه میاد تو رادیو. یه آدمایی به زور میان، خود رادیو پس می‌زنه نگه نمی‌داره. اینو من می‌گم روح رادیو. من روز اول هیچ فکر نمی‌کردم که ۴۰ سال تو این سازمان کار بکنم. آدمم نه همینه. اصلاً می‌کشه منو و یه جاذبه‌ی عجیب و غریبی داره» چه چیزی باعث می‌شود شما بعد از این همه سال دوباره بیاید رادیو و کار کنید؟ «این دقیقاً اون روح است یعنی من خب یه مدتی از رادیو دور بودم برام خیلی سخت بود. بدون رادیو زندگی کردن. بعد گفتم من که نمی‌تونم از این جدا بشم مثل این می‌مونه که آدم از معشوقش جدا بشه ولی به جبر»

نکته قابل توجه این است که اطلاع‌رسان‌های این پژوهش افرادی هستند که با بار معنایی کلمات به خوبی آشنا هستند و این کلمات به دقت و وسواس زیاد انتخاب می‌شوند، بنابراین اهمیت بسیاری دارند.

«من وقتی سفر میرم و سوار ماشین دوست و آشنا میشم اگر رادیو روشن باشه میگم وای رادیو، یعنی اون چیزی که مال منه، اون چیزی که دنیای منه، یعنی اون چیزی که من بهش تعلق دارم و اون به من تعلق داره. من وقتی خواهرم توی ماشینش رادیوشو روشن کرد و من صدای بچه‌های خودمونو شنیدم احساس کردم اون یه ذره جای ماشین، خونه منه. یا وقتی توی خونه‌ام و یادم رفته رادیو رو روشن کنم یه دفعه حس می‌کنم یه چیزی کم دارم، بعد وقتی رادیو رو روشن می‌کنم حس می‌کنم گمشده خودم رو پیدا کردم. من روان‌شناسی خونده‌ام از نظر روان‌شناسی، آدم وقتی از سرکار میره خونه، باید کار رو بذاره پشت دره خونه‌اش اما این در مورد رادیو صدق نمی‌کنه و تو در مورد رادیو نمی‌تونی اینو بگی، چون رادیو شغل نیست، رادیو اون تعلق خاطره است اون باوراه است، اون زندگی کرده است، من تو خونه هم که هستم محاله رادیو گوش نکنم، حتی رادیوگردی می‌کنم و همه رادیوها رو گوش می‌کنم.

گفتی رادیو شغل نیست، پس چیه؟ «من میگم رادیو زندگی‌یه، چون رادیو از همون قدیم یه جور با مردم که آدم حس می‌کنه رادیو زندگی‌یه. یه جور زندگی‌یه، یه جور عشقه، دوست داشتن یا یه جور صمیمیته که باهاش ممزوج میشه و میره تو وجودت یه جزئی از وجودت میشه که باهاته».

اطلاع‌رسان یکی از کارشناس مجریان رادیو است از او پرسیدم که رادیو در کجای زندگی یک رادیویی است؟ «شاید بهتره برعکس بگیم زندگی، کجای رادیویی یه رادیویی‌یه؟ به خاطر این که رادیویی‌ها و در مجموع رسانه‌ای‌ها زندگی‌شون تو رسانه‌شون خلاصه میشه. یعنی اونها رسانه رو زندگی می‌کنن به خاطر اینکه این شغلی که انتخاب کردن، سراسر اضطرابه و سراسر هیجانه و سراسر عشقه. بنابراین رسانه تمام ویژگی‌های

رادیویی‌ها انسان‌های هنرمند حساسی هستند شاید به همین دلیل حرف زدن با مردم را با مال دنیا عوض نمی‌کنند. از طرف دیگر حرف زدن با مردم لذتی است که یک‌بار اگر تجربه کردی دیگر نمی‌توانی فراموش کنی. «از یه طرف دیگر هم وجدان آدم رو آروم می‌کنه این عشق و این کار توی رادیو، مخصوصا کار ما». رادیویی‌ها خود را نماینده مردم و مدافع حقوق آنها می‌دانند بنابراین چشم بیدار و آگاه جامعه هستند و دفاع از حقوق مردم را وظیفه خود می‌دانند.

«من وقتی میرم یه جا گزارش می‌گیرم مثلاً برای همین برنامه «خانه‌ام سرد است» بعد مامانه گریه می‌کنه میگه کاشکی دادگاه‌ها یه جوری بود که حق ما رو می‌گرفت من پیش وجدان خودم خیالم راحت میشه که آخیش من تونستم حرف اینو بزدم حرف این آدم از طریق من داره زده میشه. حالا این که اون طرف داره گوش میده یا نه مهم نیست. مهم اینه که اون کاری که من می‌تونستم برای این آدم، انجام بدم دادم. این بزرگترین رسالت ماست در واقع یه جورایی ما دهن مردم هستیم». رادیویی‌ها دفاع از حقوق مردم را رسالت خود می‌دانند. اطلاع‌رسان بعدی یکی از تهیه‌کننده‌های قدیمی رادیو است از او پرسیدم جایگاه رادیو در زندگی شما چیست؟ «در درجه اول من یک شنونده رادیو هستم من از وقتی که از خواب بیدار می‌شم تا وقتی که می‌خوابم در ساعات مختلف شبانه‌روز، رادیو می‌شنوم. اول صبح توی خونه به برنامه‌های موسیقی گوش میدم بعد توی ماشینم، برنامه‌های مختلف رو انتخاب می‌کنم و می‌شنوم. در طول روز برنامه می‌سازم و شب خبرها رو از رادیو می‌شنوم و تا موقع خواب رادیو گوش میدم. من رادیو رو خیلی دوست دارم من یک تهیه‌کننده هستم و خوشبختم که گزارش‌گر هستم. بنابراین رادیو در همه جای زندگی من هست هم به عنوان علائق‌ام و هم به عنوان شغلم. من عاشق رادیو هستم».

اطلاع‌رسان بعدی یکی از تهیه‌کننده‌های قدیمی رادیو است از او پرسیدیم که رادیو چه جایگاهی در دنیای شما دارد؟ «همه جای دنیای من. رادیو برای من خیلی مهمه»

میخواهی در کنار مردم باشی و با مردم حرف بزنی یه جورى اینکه دغدغه‌هاشونو بیان کنی همراهشون باشی، به فکرشون باشی، نیازشون رو بخوای برطرف کنی» تعبیر از راه برای کاری که انجام می‌دهی نشان از اهمیت و قداست آن دارد. راه شبیه زندگی و مسیر مشخص پیش روی انسان، برای گذران زندگی است وقتی شغلی به این درجه اهمیت می‌رسد یعنی مقام و منزلتی فراتر از یک شغل عادى یافته و محملی برای پیشرفت انسان است.

اطلاع‌رسان یکی از رادیویی‌های قدیمی است که برنامه‌ساز نیست از او پرسیدیم که جایگاه رادیو در زندگی شما چیست؟ «من یه آدمی‌ام، فکر کنم حد وسط رادیویی‌ها نه مثل بعضی‌ها عاشق رادیوم و نه صرفاً به کار و درآمدش فکر می‌کنم، هم دوست دارم کارم بعد فرهنگی داشته باشه، یه چیز خوبی رو آنتن بره، شنونده‌ها جذب بشن یه نکته‌ای بشنون، یه کنداکتور خوبی داشته باشند. اونطوری نیستم که بگم عاشق رادیوم ولی نسبت بهش اصلاً بی‌تفاوت نیستم. مثلاً اگه بگن که تو از فردا نباید بیای قطعاً غصه می‌خورم، نه به خاطر پولش، به خاطر اینکه از این فضا دور شدم. ولی اونجوری هم که بگم خیلی بی‌قرار انجام دروغ گفتم».

اطلاع‌رسان یکی از مدیران پخش رادیو است از او پرسیدیم چرا بعضی‌ها رادیو را برای کار کردن انتخاب می‌کنند؟ دلیل این انتخاب خود رادیو است یا امرار معاش است؟ «معاش خیلی مهمه و بیشتر افراد به خاطر همون میان ولی وقتی میان، بیشترشون دلبستگی پیدا می‌کنن که رفتن براش خیلی سخت میشه»

بحث و نتیجه‌گیری

تقسیم‌بندی رادیویی‌ها از نظر معنای رادیو به نظر می‌رسد ۳ گروه عمده در رادیو وجود دارد. دسته اول: رادیو عشق آنها است. دسته دوم: رادیو را دوست دارند اما عاشق رادیو نیستند و اگر فرصت بهتری برای آنها فراهم شود رادیو را ترک می‌کنند.

یک زندگی رو داره. به همین دلیل بهتره شما بگین که زندگی شخصی آدم‌های رسانه‌ای کجا قرار می‌گیره؟ نه اینکه رادیو کجای زندگی‌شونه؟ اونا زندگی‌شون رادیوئه. همیشه اصلاً گفت که بخش عمده‌ای از زندگی این‌ها شغل‌شونه، اینا آدم‌هایی هستند که با شغل‌شون زندگی می‌کنن.

مقوله ۲: رادیو به عنوان شغل

- به خاطر شغلم رادیو گوش می‌کنم.
 - امرار معاش مهمه اما اگه بگن که تو از فردا نباید بیای رادیو، قطعاً غصه می‌خورم.
 - رادیو شغلمه.
 - رادیو هیچ‌وقت نمی‌تونه اصل زندگی من باشه.
 - من اول از همه همیشه شنونده رادیو هستم.
 - من رادیو گوش می‌کردم به خاطر مسئولیتیم.
 - من جزو گروه دوست‌داران رادیو نیستم.
 - من زیاد رادیو گوش نمی‌کنم
 - الان رادیو منو راضی نمی‌کنه.
- از نظر این گروه کار در رادیو شغل محسوب می‌شود و در مواردی حتی افراد حاضر نیستند برنامه تولیدی خود را بشنوند. بعضی از افراد این گروه، ابتدا با علاقه وارد رادیو شده‌اند و بعضی از ابتدا به عنوان ممر درآمد به آن نگریسته‌اند.

مقوله ۳: گروه میانه

- کار در رادیو به عنوان راهی در زندگی.
- رادیو آدم را درگیر می‌کنه واقعا.
- رادیو فرصت نزدیکی به جامعه و مخاطب و اثربخشی در جامعه را می‌دهد.

اطلاع‌رسان یکی از تهیه‌کننده‌های جوان رادیو است که به تازگی تهیه‌کننده شده است. از او پرسیدیم آیا رادیو برای تو شغل و کار است؟ «نه، نه! برای من فقط یک شغل نیست. یه هنر، یه جور حسه همدردی با مردم، همراهی با مردم، شاید وقتی شغلت تهیه‌کننده باشه در واقع شغلت این نیست، این راه رو انتخاب کردی. چون

عاشقی رند حافظ مقابله و شاهد مثال آورده و به شرح زیر تقدیم کند.

اساسی‌ترین جملاتی که از توصیف عشق گروه اول می‌توان بدست آورد به شرح زیر است:

۱- رادیویی، رادیویی به دنیا می‌آید، رادیویی می‌ماند و رادیویی می‌میرد.

حضرت حافظ می‌فرماید: حلقه پیر مغان از ازل در گوش است/ برهمنیم که بودیم و همان خواهد بود. ما رادیویی‌ها نیز از ازل عاشق و رند بوده‌ایم و تا ابد همان خواهیم ماند.

۲- رادیو حرف اول رو توی زندگی من می‌زنه. از صبح تا شب هیچ مشغله دیگری غیر از رادیو ندارم.

حضرت حافظ در این مورد می‌فرماید: همیشه پیشه من عاشقی و رندی بود/ دگر بکوشم و مشغول کار خود باشم در مورد رادیویی‌ها نیز هیچ مشغله دیگری غیر از رادیو ندارند. در یافته‌های پژوهش به وفور مشاهده شد که «کار کردن در رادیو شغل نیست که بتوان شب، موقع آمدن به منزل پشت در گذاشت» یا «یک تهیه‌کننده در همه حال تهیه‌کننده است».

۳- این عشق به رادیو مفت به دست نیامده عمرم را به پای عشقم ریخته‌ام.

حضرت حافظ در این مورد می‌فرماید: که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها؛ یا سعی ناپرده در این راه به جایی نرسی/ مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد بپر. کار در رادیو از دور بسیار جذاب و فریبنده به نظر می‌رسد اما در واقع جزو سخت‌ترین مشاغل دنیا است و برای یادگیری و کسب عنوان افتخارآمیز رادیویی بودن باید «عمر و سلامتی و زندگی به پای آن ریخت». جناب حافظ هم می‌فرماید: تا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق/ هر دم آید غمی از نو به مبارکبادم.

۴- بدون رادیو واقعا زندگی سخته.

بزرگترین مشکل رادیو و رادیویی‌ها نه دوران کاری بلکه بازنشستگی آنها است که نمی‌توانند دوری از معشوق را بپذیرند. حضرت حافظ در این مورد می‌فرماید: چو کحل بینش ما خاک آستان شماس/ کجا رویم بفرما از این جناب کجا؟ رادیویی، جایی و

دسته سوم: رادیو فقط شغل و ممر درآمد آنها است.

موضوع این پژوهش رادیویی‌ها هستند. در دفترچه خاطرات من نوشته شده است «در اتاق کارم، بالای طاق ذهنم، آنجایی که هیچ کس غیر از خودم نمی‌بیند، نوشته‌ام: اینجا حلقه رندان است و با رندان، باید رندانه رفتار کرد». در پژوهش «بررسی مردم‌نگارانه آیین‌های تهیه در رادیو تهران» تعریف مفصلی از تهیه‌کننده به عنوان مدیر و مسئول تیم برنامه‌سازی و رند ارائه شده است. حال با استفاده از اشعار حافظ می‌خواهیم ببینیم رند حافظ چگونه عاشق می‌شود تا بیشتر با عشق رادیویی‌ها آشنا شویم.

بی‌تردید تهیه‌کنندگی مهم‌ترین شغل رادیو است: «تهیه‌کننده مدیر تیم برنامه‌سازی و مسئول محتوایی و ساختاری برنامه از مرحله شکل‌گیری ایده، طراحی، تولید، پخش و پس از پخش است. تهیه‌کننده با حکم سازمان منصوب می‌شود و مسئولیت همه عوامل برنامه‌سازی و برنامه را به عهده دارد. او رندی هوشمند، باهوش، هوشیار، دانا، نکته‌سنج، بخرد، زیرک، تیزبین، کنجکاو، حساس، با ذکاوت، هنرمند، سالم، بی‌قید به آداب و رسوم اجتماعی و آزاده است که در عین حال که حلقه وصل مدیران و عوامل برنامه‌سازی است در مقابل قدرت سر فرود نمی‌آورد و تهیه‌کنندگی را ازلی و ابدی می‌داند. تهیه‌کننده‌ها، تهیه‌کننده به دنیا می‌آیند و تا زمان مرگ، در هر جا و هر پستی که باشند تهیه‌کننده می‌مانند و به آن می‌بالند. اینان رندانی بی‌آزار هستند و رندانه عمل می‌کنند(اسمعیل‌نژاد، ۱۳۸۷).

در چنین شرایطی ساختمان شهدای رادیو که محل و مامن اصلی رادیویی‌های ایران است، خرابات حلقه رندان مدنظر حافظ بوده، آنجایی که حافظ می‌گوید: همواره مرا کنج خرابات مقام است و عاشقی شیوه رندان بلاکش است که به فرموده حافظ: قدم من به خرابات جز به شرط ادب. این پژوهش در نظر دارد با پذیرش رندی تهیه‌کننده، به عنوان محوری‌ترین ویژگی وی، عاشقی، به عنوان شیوه رندان بلاکش را که در یافته‌های فوق به کرات تأیید شد با مصداق‌هایی از

شرایط اساسی است اما به فرموده حافظ بس نکته غیر حسن بیاید و در جلسات کمیته تخصصی قلندران حقیقت به نیم جو نخرند/ قبای اطلس آن را که از هنر عاری است در این جلسات عاشقی و رندی داوطلبان آزمون می‌شود و برگزیده می‌شوند.

۸- رادیو پول نداره. بازنشستگی هم نداره. حتی اگر بازنشسته بشم کسی نمی‌تونه رادیو رو از من بگیره. رادیو عشقی است که از دست دادنی نیست.

درست است که رادیو پول ندارد اما به فرموده حضرت حافظ: که شرط عشق نباشد شکایت از کم و بیش یا لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ/ عشق بازان چنین مستحق هجرانند. به همین دلیل وقتی رادیویی‌ها از برآورد کم شکایت می‌کنند این جمله را نیز در میان حرف‌های اطلاع‌رسان‌ها می‌شنویم که «درسته غر میزیم که برآوردمون کمه، ولی اگه به موقع هیچ پولی هم به ما ندید ما باز میایم کار می‌کنیم یعنی این حُسن رادیوست» برای اینکه هدف پول نیست هدف عشق است. معمولاً یا کسی رند و رادیویی هست و یا نیست اگر باشد می‌ماند و اگر نباشد می‌رود خواجه می‌فرماید: اگر چه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را/ به عالمی نفروسیم موئی از سر دوست. گاه آزمون تشخیص رندی، سخت و طاقت فرسا است اما رند باید بداند که: عشق بازی را تحمل باید ای دل، پای دار/ گر ماللی بود بود و گر خطائی رفت رفت و تاوان هرآنکه عاشق نیست این است که هر آنکسی که درین حلقه نیست زنده به عشق/ برو نمرده به فتوی من نماز کنید.

۹- بخشی از وجودم رو تو رادیو پیدا کردم. رادیو مثل دویدن حس در رگ‌های منه. رادیو قلبم رو به تپیدن وامیداره. رادیو روح آدم رو تامین و ارضاء می‌کنه. در این گفته‌ها عشق معجزه‌آسا است و در دل و جان آدمی اثر می‌کند و حضرت حافظ می‌فرماید: طیب عشق مسیحا دم است. یا عشق کاری است که موقوف هدایت باشد. یا زآن می‌عشق کزو پخته شود هر خامی. در این صورت رادیو کارکردی هدایت‌گر و مسیحا دم می‌یابد که عاشقان رادیویی را روح و جان تازه‌ای می‌بخشد.

ماوایی به جز رادیو ندارد. گفتمش: مگذر زمانی. گفت معذورم بدار/ خانه‌پروردی چه تاب آرد غم چندین غریب؟ در یکی از مصاحبه‌ها یکی از اطلاع‌رسان‌ها گفت «بازنشسته شدم و رفتم فهمیدیم بدون رادیو واقعا زندگی سخته! من می‌خوام برنامه بسازم و دانسته‌های خودم رو به بچه‌ها یاد بدم» حضرت حافظ هم می‌فرماید: گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر/ بجز از خدمت رندان نکم کار دگر.

۵- رادیو آرامش‌بخش و تسکین‌دهنده آلام من است. حضرت حافظ در این مورد می‌فرماید: محرم راز دل شیدای خود/ کس نمی‌بینم زخاص و عام را. به همین دلیل رادیویی در هنگام آلام و مصیبت‌ها در ملاء عام، در کنار رادیویی خود و بدون کوچکترین آسیب به آن، عزاداری می‌کند و باز مصداق این بیت حافظ که دردم از یار است و درمان نیز هم/ دل فدای او شد جان نیز هم. درمان دردهای خود را نیز از رسانه خود و در رسانه خود می‌یابد. رادیویی‌ها بعد از کار در رادیو، انرژی می‌گیرند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: بزرگترین تفریح کار است. رادیویی‌های به مصداق این روایت، در کار و با کار رادیویی انرژی می‌گیرند و آلام و خستگی‌های خود را فراموش می‌کنند.

۶- بزرگترین تنبیه تهیه‌کننده گرفتن برنامه از اوست. اگر شما در رادیو کار نکرده باشید احتمالاً باور این موضوع سخت خواهد بود که چگونه ممکن است کم‌کاری، تنبیهی برای کسی شود، اما گروه ما رندان هستند و از آنجا که به فرموده حضرت حافظ: محتسب داند که حافظ عاشق است، به همین دلیل تنبیهی متفاوت برای تهیه‌کننده در نظر گرفته می‌شود و این تنبیه نیز درد عشق است و جگرسوز دوايي دارد.

۷- رادیو روح داره و افراد خاص خودش رو از جامعه صدا می‌کنه و جذب می‌کنه و کسایی رو که دوست نداشته باشه پس می‌زنه.

حضرت حافظ چه خوش می‌فرماید که بس نکته غیر حسن بیاید/ تا مقبول طبع مردم صاحب هنر شوی. برای کار در رادیو داشتن کارشناسی ارشد الزامی است و کنجکاوی و هنرمند بودن و هوش و فراست نیز از

می‌کنم. وقتی توی ماشین صدای رادیو رو می‌شنوم اون یه ذره جا میشه خونه من. رادیو زندگی منه. مثل خانواده من، زندگی اصلی من رادیو است.

حضرت حافظ می‌فرماید: روز اول رفت دینم در سر زلفین تو/ تا چه خواهد شد درین سودا سرانجامم هنوز. در نزد این اطلاع‌رسان رادیو فراتر از شغل و کار ارتقاء یافته و به گمشده و خود تبدیل شده است و البته نکته مهم این است که تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی/ گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش. این حس رادیویی را فقط یک رادیویی درک می‌کند.

۱۴- تعبیر راه برای کار در رادیو

حضرت حافظ در وصف این نوع عاشقی می‌فرماید: راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست/ درین ره جز آنکه جان بسپارند چاره نیست؛ یا عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده/ به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست و هم‌چنین طهارت ارنه به خون جگر کند عاشق/ به قول مفتی عشقش درست نیست نماز. اما هر چند عاشقان راستین دانند که نیست بادیه عشق را کرانه پدید/ اما عشق داند که درین دایره سرگردانند. ماجرای عشق رادیویی‌ها هم از زبان رادیویی‌ها زیباست که «وقتی صدای رادیو رو می‌شنوه اون یه ذره جا میشه خونه اون» دلشان شد سخنم تا تو قبولش کردی/ آری آری سخن عشق نشانی دارد و در ضمن شاید مقبولیت رادیو در این است که برنامه‌سازان عاشقی، گرداننده چرخ رادیو هستند و هرآنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

۱۴- رادیو سراسر اضطراب، هیجان و عشقه و تمام ویژگی‌های یک زندگی رو داره. رادیویی‌ها با شغل شون زندگی می‌کنن. رادیویی‌ها همه زندگی شون رو با برنامه‌های رادیو هماهنگ می‌کنن.

اما این شغل با همه سختی‌ها، استرس، اضطراب و بی‌پولی‌ها عشق رادیویی است چرا که اینجا حلقه رندان است و به فرموده خواجه حافظ عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد و ذکر این حلقه این است که جز دل من کز ازل تا به ابد عاشق رفت/ جاودان کس نشنیدیم که

۱۰- بعد از خانواده‌ام عشق من رادیو است. اگر فامیل‌هایم نباشند مهم نیست ولی اگر رادیو نباشد اذیت می‌شوم. رادیو مثل هواست. عشقه خیلی عشقه حضرت حافظ می‌فرماید: در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز و به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست. در این گفته‌ها عشق به رادیو باقی و مابقی فانی خوانده شده است به همین دلیل مثل هوا است یعنی ضروری‌ترین عنصر حیات.

۱۱- رادیو تریبونی است که می‌توانم حرف‌های دل مردم رو از این طریق بزنم با رادیو مسئولیت خودم رو در مقابل مردم انجام میدم و رادیو وجدان آدم رو آروم می‌کنه.

در روزنامه‌نگاری و اصول ژورنالیستی رکن چهارم دموکراسی، رسانه‌ها هستند و در این دیدگاه رسانه‌ها چشم بیدار و آگاه جامعه هستند که باید از حق و حقوق مردم دفاع کنند برای چنین عاشق رادیویی، وجدان آرام در گرو دفاع از حق مردم و انعکاس مشکلات و حرف‌های مردم است.

۱۲- من خوشبختم که گزارش‌گر رادیو هستم. رادیو آدم‌های با تجربه را جذب می‌کند.

حضرت حافظ می‌فرماید: که سلطانی عالم را طفیل عشق می‌بینم و اطلاع‌رسان پژوهش در رادیو، خوشبختی را در گزارش‌گری رادیو می‌داند. اگر رادیو را در تقابل با تلویزیون قرار دهیم، تلویزیون به دلیل اکران و تصویر و جذابیت‌هایی که باید ایجاد کند ناچار است از چهره‌های مورد توجه مردم استفاده کند اما رادیو رسانه شنیداری از این محدودیت مبرا بوده و می‌تواند از تجربه و صدای فخر افراد در برنامه‌سازی استفاده کند. به فرموده حضرت حافظ: خامان ره نرفته چه داند ذوق عشق/ دریادلی بجوی، دلیری، سرآمدی در رادیو نیز در میان رندان عاشق دریادلی، دلیری، سرآمدی جستجو می‌کنند.

۱۳- رادیو همه‌ی دنیای من است. رادیو برای من خیلی مهمه. رادیو مال منه. رادیو دنیای منه. رادیو چیزی یه که من بهش تعلق دارم و رادیو متعلق به منه. وقتی رادیو روشن نیست من یه چیز مهمی کم دارم و وقتی رادیو رو روشن می‌کنم، گمشده خودم رو پیدا

گروه دوستان هستند در هر پست و مقامی که باشند به همین دلیل در هر جایگاهی که قرار گیرند مدام تکرار می‌کنند که من رادیویی هستم و کار در رادیو را از هماهنگی شروع کرده‌ام و این افتخاری است که در عین حال سند و مجوز دوستی با رادیویی‌ها است.

گاه مدیران برای نفوذ به حلقه رندان، تهیه‌کننده‌ها را برای مدیریت میانی برمی‌گزینند به گفته‌ی خواجه حافظ: راز درون پرده ز رندان مست پرس / کاین حال نیست زاهد عالی مقام را اما نمی‌دانند (چون رادیویی نیستند) که یک رادیویی همیشه رادیویی است و رادیویی می‌ماند حافظ می‌فرماید: عنقا شکار کس نشود دام بازچین / کانجا همیشه باد بدستست دام را. خلق اصطلاحاتی هم‌چون مدیر برنامه‌ساز یا برنامه‌ساز مدیر در جهت تمایز از افرادی است که مدیر رادیو هستند، ولی رادیویی نیستند. افشای راز خلوتیان خواست کرد شمع / شکر خدا که سر دلش در زبان گرفت.

یکی از ادعاهای همیشگی گویندگان که از نظر تهیه‌کنندگان شایان اعتنا نیست این است که همه شنوندگان رادیو برنامه را به نام ما (یعنی گویندگان) می‌شناسند و ما ویتترین رادیو هستیم و در نتیجه مهم‌تر از تهیه‌کننده هستیم در چنین مواقعی باید بیت خواجه را به گوش جان شنید که: گرچه شیرین‌دهنان پادشاهانند ولی / او سلیمان زمان است که خاتم با اوست و مهم انگشت سلیمانی است که انگشت تهیه‌کنندگی است چرا که گر انگشت سلیمانی نباشد / چه خاصیت دهد نقش نگینی، البته در اینجا توجه به مفهوم تیم نیز اهمیت پیدا می‌کند چرا که در رادیو، تهیه‌کننده مربی تیم است و با بسیج منابع و همه توان و امکانات برنامه‌ای آماده و پخش می‌شود و در این همکاری مربی‌ای موفق است که بتواند حس مالکیت را به هر کدام از عوامل برنامه خود ببخشد در این صورت گوینده، برنامه را متعلق به خود می‌داند، صدابردار و هماهنگی نیز همین حس را خواهند داشت و همه این حس‌ها به ساخت برنامه خوب منتهی خواهد شد. رادیو رسانه آن و لحظه است جویباری است که جاری می‌شود و ثابته‌ای برای صبر نمی‌کند انگار خودِ خودِ زندگی است. رند رادیو برای لحظه لحظه

در کار بماند. رادیویی، رادیویی متولد می‌شود و رادیویی می‌میرد. بنابراین از ازل تا به ابد عاشق می‌ماند.

۱۵ - اگر ما عاشق رسانه خودمون نباشیم نمی‌تونیم تحمل کنیم چون هم کارش سخته و هم از بعد مالی چیزی نداره شاید دلیل اینکه این همه وسواس در انتخاب رادیویی‌ها می‌شود در همین جمله نهفته است که اما عاشقان را نبود چاره به جز مسکینی، که در این صورت رادیویی عاشق، آن را به جان می‌خرد.

۱۶ - اول عاشقش بودم حالا این طوری نیست من زیاد راضی نیستم. البته یه مقداری‌اش هم تقصیر خودمه نوع زندگی کردنم تاثیر گذاشته روی کارم.

خواجه حافظ در وصف این نوع عاشقی می‌فرماید: وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم / که در طریقت ما کافری است رنجیدن. پرداختن به خانواده و پایبندی به آنها جزو اصول اولیه زندگی هر کس می‌تواند باشد اما در اینجا بار همه بی‌مهری رادیو را نیز به دوش می‌کشد و با ملامت خود این بی‌مهری را توجیه می‌کند.

۱۷ - در دوران شاگردی خاموش تهیه‌کنندگی آموختم. کسی به من تهیه‌کنندگی یاد نداد من با رندی آموختم. در دیوان خواجه نیز می‌فرماید: ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز / مست است و در حق او کس این گمان ندارد. در رادیو نیز رندی به کسی آموزش داده نمی‌شود رندان برگزیده می‌شوند و خود می‌آموزند. افرادی که به رادیو می‌آیند و می‌مانند کسانی هستند که مصداق این فرموده خواجه هستند صد ملک دل به نیم‌نظر می‌توان خرید / خوبان درین معامله تقصیر می‌کنند. در کمیته تخصصی تهیه‌کنندگی رادیو تهیه‌کنندگان قدیمی رندان را برای حلقه رندی بر می‌گزینند و قلندران حقیقت به نیم جو نخرند / قبای اطلس آن را که از هنر عاری است.

۱۸ - در رادیو ۲ گروه کاملاً مجزا وجود دارد که تحت هیچ شرایطی با هم در نمی‌آمیزند. رادیویی‌ها و مدیران رادیو. به همین دلیل اولین چیزی که در طریق رندی آموخته می‌شود چگونگی رفتار با این دو گروه است که خواجه می‌فرماید: آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا. رادیویی‌ها جزو

عملیاتی پیچیده‌تر از سایر سازمان‌ها است و در این سازمان حوزه تخصصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (فرهنگی و بیران، ۱۳۹۳). در یافته‌های پژوهش با چنین دسته‌بندی از طرف رادیویی‌ها مواجه می‌شویم «در رادیو ۲ گروه کاملاً مجزا وجود دارد که تحت هیچ شرایطی با هم در نمی‌آمیزند. رادیویی‌ها و مدیران رادیو» که به نظر می‌رسد وجود ساختار دیوان‌سالاری حرفه‌ای و اهمیت برنامه‌سازان در رادیو را آشکار می‌کند. تا اینجا مشخص شد که کارکنان رسانه ویژگی‌های خاصی دارند. براساس هرم نیازهای ابراهام مازلو نیازهای انسان در یک فرآیند سلسله مراتبی برآورده می‌شود.

فرهنگی معتقد است که مدیران سازمان‌های رسانه‌ای باید باتوجه به شرایط حاکم بر رسانه به تمام نیازهای کارکنان به ویژه کارکنان صف رسانه خود پاسخ مثبت نشان دهند. این کارکنان به نیازهای بالایی یا به تعبیر دیگر ثانویه، وابستگی بیشتری دارند و ارضای این نیازها به آنها توان بیشتری در بهره‌وری تولیدات رسانه‌ای می‌دهد (فرهنگی و بیران، ۱۳۹۳). مدیران موفق در سازمان‌های رسانه‌ای به این درک رسیده‌اند که روابط انسانی عامل کلیدی در اثربخشی سازمان رسانه‌ای است چرا که تعامل با افراد خلاق که در درون خود حس تعلق و غرور نسبت به کارشان را پرورده‌اند در میل به اهداف سازمانی بسیار کارآمدتر عمل می‌کنند و در آنها خلاقیت با عمل‌گرایی حرفه‌ای درهم آمیخته است (فرهنگی و بیران، ۱۳۹۳).

به همین دلیل در مطالعه معنای رادیو برای رادیویی‌ها، معنای مدنظر آنها از رسانه خودشان، عشق به رسانه توصیف می‌شود. در کسانی که به عنوان برنامه‌ساز رسانه فعالیت می‌کنند نیازهای ثانویه اولویت بیشتری، برای آنها، دارد و برآورده ساختن آخرین بخش هرم نیازهای مازلو در اولویت آنها قرار می‌گیرد در این بخش خلاقیت مداوم اهمیت دارد علاقه به کار در بالاترین سطح باید وجود داشته باشد و شاید به همین دلیل آنها عاشق رسانه خود می‌شوند به همین دلیل انگیزش در این گروه با علاقه فراوان و در مواردی با عنوان عشق به برنامه‌سازی انجام می‌شود.

این ثانیه‌ها برنامه‌ریزی می‌کند و همراه می‌شود خواه می‌فرماید: شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد/ بنده طلعت آن باش که آنی دارد و رادیویی آنی دارد. آن رادیویی، رادیو است. و اما تهیه‌کننده رادیو رند است (اسمعیل‌نژاد، ۱۳۸۷) و عاشقی شیوه رندان بلاکش است و تمام حرمت یک رادیویی به این است که: از آن به دیر مغنم عزیز می‌دارند/ که آتشی که نمیرد، همیشه در دل ماست و عاشق است. فرهنگی و بیران در کتاب مدیریت رسانه از لوین و واکمن یاد می‌کنند که پنج ویژگی را برای تمایز این صنایع با صنایع دیگر ذکر می‌کند که داشتن کارکنان بسیار خلاق، اولین ویژگی است نوع تولیدات، ساختار سازمانی، نقش اجتماعی ویژه رسانه‌ها از حیث تاثیرگذاری کلان و تمایز ویژه از ویژگی‌های صنایع رسانه‌ای است (فرهنگی و بیران، ۱۳۹۳) کویسی مک کوی در کتاب برنامه‌سازی خلاق از برنامه‌ساز با نام آنارشویست خلاق یاد می‌کند که فردی خلاق و با شور و شوق و اشتیاق فراوان است که هدف وی سرگرم کردن مخاطبان است و در رادیویی کار می‌کند که عمق دارد و پر از انرژی است و سبک ویژه خود را در برنامه‌سازی اتخاذ می‌کند و برای خلاقیت فردی مواردی را پیشنهاد می‌کند:

- ✓ یادگیری مداوم در حوزه کاری.
- ✓ ساختار شکنی در یادگیری: بر ضد دانسته‌های متعارف حرکت کنید.
- ✓ خیال‌پردازی کنید.
- ✓ با تیم برنامه‌سازی از روش یادگیری گروهی و طوفان ذهنی استفاده کنید.
- ✓ تصویرسازی کنید.
- ✓ راحت باشید و فعالیت‌های آرامش‌بخش انجام دهید.

به نظر می‌رسد مدیریت رسانه در سازمانی که چنین کارکنانی دارد باید حساسیت‌های خاصی داشته باشد. علی‌اکبر فرهنگی برای چنین سازمانی ساختار ماتریسی ارگانیک در عین حال بهره‌مند از ویژگی‌های دیوان‌سالاری حرفه‌ای پیشنهاد می‌کند چرا که کارهای

فهرست منابع

- اسمعیل‌نژاد، معصومه (۱۳۸۷). بررسی مردم‌نگارانه آیین‌های تهیه در رادیو تهران. دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- فرهنگی، علی‌اکبر و ببران، صدیقه (۱۳۹۳). مدیریت رسانه. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها. تهران.
- مک کوی، کوینسی (۱۳۸۱). برنامه‌سازی خلاق در رادیو. ترجمه ناصر بلیخ. تحقیق و توسعه صدا. تهران.
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۸۷). زندگی و مرگ مولف. تهران: نشر افکار.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴). ایران در چهار کهکشان ارتباطی. جلد سوم. تهران: سروش.
- نورائی، مهرداد (۱۳۸۳). اطلاعات سیاسی اقتصادی آذر و دی ۱۳۸۳ شماره ۲۰۷ و ۲۰۸. تاریخ مشاهده ۹۳/۰۶/۱۴
<http://ensani.ir/fa/content/222545/default.aspx>
- مک‌فارلند، دیوید (۱۳۸۱). راهبردهای برنامه‌سازی برای رادیو در آینده. ترجمه: مینو نیکو. تهران: تحقیق و توسعه صدا.
- کرایسل، اندر (۱۳۸۷). درک رادیو. مترجم: معصومه عصام. تهران: اداره کل پژوهش‌های رادیو.